

شنبه ۲۱ شهریور ۱۴۰۵ - ۳۰ ربیع‌الاول ۱۴۴۸ - ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۶ - شماره ۲۱۲۱ - پیاپی ۴۴۹

منبع	معدن	تجارت
منشور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه منبع معدن تجارت www.smtnews.ir/about.html		
صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی « منبع »		
مدیرمسئول: عاطفه خسروی		
سازمان آگهی‌ها: ۰۸۱۰۵۲۸۸ - ۰۹۱۹۱۲۵۱۴۰۶		
ایمیل آگهی‌ها: ads.smtnews@gmail.com		
تلفن: ۸۲۱۹۰ (داخلی--۰۸)		
توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۸۸۱۰۵۲۸۸		
تهران، خیابان قائم مقام فراهانی - کوچه آزادگان شماره ۲۶ - کدپستی ۱۵۸۶۷۲۳۸۱		
روابط عمومی: pr@smtnews.ir		
چاپخانه: صمیم		
www.smtnews.ir telegram.me/smtnews tozi.smtnews@gmail.com	info@smtnews.ir instagram.com/smtnewspaper http://eita.com/smtnews	
https://ble.ir/smtnews		
عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی		
عضو انجمن مدیران رسانه		
عضو تعاونی مطبوعات		

خسارات ناشی از بارندگی شدید و طوفان - ساری

سهم تورم از آتش جنگ

جنگ علاوه بر تخریب زیرساخت‌ها و کاهش تولید، با اختلال در تجارت، کاهش عرضه ارز و تشدید انتظارات تورمی، به افزایش قیمت‌ها دامن می‌زند. تجربه اقتصاد ایران در جنگ نشان می‌دهد شدت تورم به وضعیت اقتصاد پیش از جنگ نیز وابسته است. اقتصاد امروز با تورم مزمن، کسری بودجه، رشد نقدینگی، کاهش ارزش ریال و ناترازی‌های گسترده روبه‌رو است؛ بنابراین جنگ می‌تواند این مشکلات را تشدید کند. حال آنکه ریشه تورم در ایران، در ناترازی‌های انباشته و اصلاحات به‌تعمیق‌افتاده نیز نهفته است. هفته‌نامه «تجارت فردا» سهم تورم از آتش جنگ را بررسی کرده است.

جنگ‌ها را معمولاً با تعداد زخمی‌ها و کشته‌ها، خرابی‌ها و خسارات به زیرساخت‌ها و تغییر مرزها به یاد می‌آوریم، اما جنگ صورت‌حساب دیگری هم دارد که گاهی سال‌ها پس از خاموش شدن صدای گلوله‌ها همچنان پرداخت می‌شود. این صورت‌حساب در صورت‌های مالی شرکت‌ها، در ارزش پول و بیش از همه در سفره خوار ظاهر می‌شود. قیمت‌ها بالا می‌روند، قدرت خرید کاهش پیدا می‌کند، پس‌اندازها ارزش خود را از دست می‌دهند و گروه‌هایی که کمترین امکان را برای محافظت از دارایی و درآمدشان دارند، بیشترین هزینه را می‌پردازند. تورم یکی از مهم‌ترین مسیرهایی است که هزینه جنگ را از خط مقدم به زندگی روزمره مردم منتقل می‌کند. شماره جدید هفته‌نامه «تجارت فردا» از همین زاویه به اقتصاد جنگ نگاه کرده است. پرسش محوری این شماره هم ساده اما مهم است، اینکه جنگ چرا و چگونه تورم را تشدید می‌کند؟ به گزارش «انرژی امروز» ایران در کمتر از یک قرن، سه تجربه متفاوت از جنگ را پشت سر گذاشته است. نخستین تجربه به شهریور ۱۳۲۰ بازمی‌گردد که با وجود اعلام بی‌طرفی ایران در جنگ جهانی دوم، نیروهای متفقین از شمال، جنوب و غرب وارد کشور شدند و ایران عملاً به اشغال درآمد. تجربه دوم از شهریور ۱۳۵۹ آغاز شد که ارتش عراق به ایران حمله کرد و جنگی ۸ساله شکل گرفت. تجربه سوم نیز از خرداد ۱۴۰۴ آغاز شده و اقتصاد ایران را با ترکیبی از جنگ، تحریم، اختلال تجاری و محاصره دریایی روبه‌رو کرده است. وجه مشترک هر سه دوره، مرگ انسان‌ها و ویرانی‌های گسترده بوده، اما رفتار قیمت‌ها در این سه مقطع یکسان نبوده است.

شدیدترین جهش‌های تورمی تاریخ معاصر
در سال‌های جنگ جهانی دوم، اقتصاد ایران یکی از شدیدترین جهش‌های تورمی تاریخ معاصر خود را تجربه کرد. اختلال گسترده در حمل‌ونقل و تجارت، کاهش عرضه کالاهای اساسی، حضور ارتش‌های خارجی و افزایش شدید حجم پول، اقتصاد را با شوک هم‌زمان عرضه و تقاضا مواجه کرد. راهدن و بخش مهمی از ظرفیت حمل‌ونقل کشور در خدمت تدارکات متفقین قرار گرفت، واردات محدود شد و دسترسی به مواد غذایی و مواد اولیه دشوار تر شد. همزمان حجم اسکناس و مسکوک در گردش میان سال‌های ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۴ حدود پنج برابر شد. نتیجه همان چیزی بود که اقتصاددانان انتظار دارند. پول بیشتری به تعقیب کالای کمتری رفت و قیمت‌ها جهش کردند. اما چهار دهه بعد، در جریان جنگ ایران و عراق، الگوی متفاوتی شکل گرفت.

جنگ هشت سال ادامه یافت، بخش مهمی از تأسیسات نفتی، صنعتی و شهری کشور آسیب دید، درآمدهای نفتی کاهش یافت و دولت ناچار شد هزینه‌های سنگین نظامی و اجتماعی را تأمین کند. با این حال تورم به سطوح تجربه‌شده در جنگ جهانی دوم نرسید. قیمت‌ها افزایش یافتند و قدرت خرید خوار کاهش پیدا کرد، اما تورم حتی از ۳۰ درصد فراتر نرفت. همین تجربه، امروز منشأ یکی از مناقشه‌های مهم درباره سیاست‌گذاری اقتصادی شده است.

گروهی پایین‌تر بودن نرخ تورم در دهه ۱۳۶۰ را نتیجه سیاست‌هایی مانند سهمیه‌بندی، نظام کوپنی، کنترل نرخ و مداخله گسترده دولت در اقتصاد می‌دانند و معتقدند در شرایط جنگی کنونی نیز می‌توان با بازگشت به همان سیاست‌ها، فشار تورمی را مهار کرد جنگ کنونی به اقتصادی ضربه زده که پیش از آغاز درگیری نیز سال‌ها با تورم بالا، کاهش ارزش ریال، تحریم، افت سرمایه‌گذاری، کسری بودجه، رشد نقدینگی و نااطمینانی دست‌وپنجه نرم کرده است.

بزنی که روی آتش ریخته می‌شود
جنگ در چنین شرایطی الزاماً خالق تورم نیست و بیشتر به بن‌زینی می‌ماند که روی آتش ریخته می‌شود. مسیر انتقال این شوک نیز چندان پیچیده نیست. اختلال در صادرات، عرضه ارز را محدود می‌کند. محدود شدن واردات، هزینه دسترسی به کالا، مواد اولیه و تجهیزات را افزایش می‌دهد. اما شاید مهم‌ترین کانال انتقال جنگ به تورم در اقتصاد امروز ایران، انتظارات باشد. نرخ ارز در سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین علائم عمومی درباره آینده قیمت‌ها تبدیل شده است. خوار و بنگاه وقتی احتمال تشدید جنگ، کاهش درآمد ارزی یا محدود شدن تجارت را بالا می‌بیند، منظر وقوع کامل بحران نمی‌ماند. خوار ممکن است بخشی از پس‌اندازش را به ارز، طلا یا کالای بادوام تبدیل کند و بنگاه نیز نرخ امروز را با توجه به هزینه احتمالی جایگزینی کالا در آینده تعیین کند. به این ترتیب، بخشی از تورم حتی پیش از آنکه کمبود واقعی کالا رخ دهد، در بازار ظاهر می‌شود.

اهمیت سخنان رئیس جمهور
از همین منظر است که سخنان اخیر مسعود پزشکیان درباره کاهش صادرات و واردات در اثر تحریم‌ها و محاصره اهمیت پیدا می‌کند. کاهش صادرات به معنای محدودتر شدن جریان ورود ارز نیز هست. کاهش واردات هم اگر ناشی از محدودیت تجارت باشد، می‌تواند دسترسی بنگاه‌ها به مواد اولیه، ماشین‌آلات و کالاهای واسطه‌ای را دشوارتر کند. حاصل این دو فشار می‌تواند ابتدا در بازار ارز و هزینه تولید و سپس در نرخ مصرف‌کننده دیده شود. با این حال، پرسش مهم‌تری در لایه زیرین پرونده اصلی این شماره قرار دارد. اینکه چرا اقتصاد ایران حتی در دوره‌های صلح نیز مستعد تولید تورم است؟ پاسخ متعارف اقتصاد کلان بر نقش پول تأکید دارد. تورم مزمن بدون رشد مستمر حجم پول قابل توضیح نیست. اما اگر این گزاره را بپذیریم، پرسش



دیگری مطرح می‌شود. اینکه چرا حجم پول در اقتصاد ایران برای چند دهه با سرعت بالا افزایش پیدا کرده است؟

انتقال اقتصاد کلان به اقتصاد سیاسی
از اینجا بحث از اقتصاد کلان به اقتصاد سیاسی منتقل می‌شود. فرضیه‌ای که در این پرونده مطرح می‌شود این است که تورم را می‌توان صورت‌حساب اصلاحات انجام‌نشده نیز دانست. جامعه و گروه‌های مختلف خواسته‌های متعدد از جمله انرژی ارزان، ارز ترجیحی، تسهیلات بانکی، مستمری بیشتر، دستمزد بالاتر، حمایت تعرفه‌ای، معافیت مالیاتی و انواع حمایت‌های بودجه‌ای از دولت دارند. وجود این خواسته‌ها غیرعادی نیست اما وقتی غیرعادی می‌شود که مجموع مطالبات از منابع واقعی اقتصاد فراتر می‌رود و نظام سیاسی نمی‌تواند مشخص کند چه کسی باید هزینه تعدیل را بپردازد.

اصلاحات به تعویق می‌افتد!
در چنین شرایطی، اصلاحات به تعویق می‌افتد. نرخ انرژی اصلاح نمی‌شود، کسری صندوق‌های بازنشستگی ادامه پیدا می‌کند، بانک ناتراز به فعالیت خود ادامه می‌دهد، بنگاه زیان‌ده تعطیل نمی‌شود و حذف هزینه‌های بودجه‌ای به آینده موکول می‌شود. در کوتاه‌مدت، سیاستگذار از پرداخت هزینه سیاسی اصلاح اجتناب کرده است، اما عدم تعادل اقتصادی ناپدید نمی‌شود. ناترازی مانند گلوله برفی بزرگ‌تر می‌شود و در نهایت به کسری بودجه، فشار بر شبکه بانکی، افزایش پایه پولی، رشد نقدینگی، بی‌ثباتی نرخ ارز و تورم منتقل می‌شود. می‌توان این وضعیت را «سندروم تعلل» نامید. به این معنی که تصمیم‌های پرهزینه امروز آن‌قدر به آینده منتقل می‌شوند تا هزینه تصمیم نگرفتن از هزینه تصمیم گرفتن بیشتر شود.

پول همچنان حلقه تعیین‌کننده تورم
پس پول همچنان حلقه تعیین‌کننده تورم است، اما لزوماً نخستین حلقه زنجیره نیست. برای پیدا کردن ریشه تورم باید چند گام عقب‌تر رفت و پرسید چه تصمیم‌ها و چه تصمیم‌نگرفتن‌هایی اقتصاد را به نقطه خلق پول رسانده‌اند. به همین دلیل نیز بانک مرکزی به تنهایی قادر به حل مسئله تورم نیست و نمی‌توان از نهادهی که در انتهای زنجیره قرار دارد انتظار داشت همه ناترازی‌هایی را که در بودجه، شبکه بانکی، صندوق‌های بازنشستگی، سیاست انرژی و دیگر بخش‌های اقتصاد شکل گرفته‌اند، خنثی کند. این مسئله در شرایط جنگ اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند.

سخن پایانی

جنگ هزینه‌های دولت را افزایش می‌دهد، منابع ارزی را محدود می‌کند، تولید و تجارت را مختل می‌کند و انتظارات را تغییر می‌دهد. اگر چنین شوکی به اقتصادی متعادل وارد شود، یک نوع پیامد تورمی ایجاد می‌کند و اگر بر اقتصادی با ناترازی‌های بزرگ و تورم مزمن فرود آید، نتیجه می‌تواند کاملاً متفاوت باشد. این شاید مهم‌ترین درس مقایسه سه تجربه جنگی ایران باشد. اینکه برای فهم تورم جنگ باید دید اقتصادی که وارد جنگ شده، پیش از شلیک نخستین گلوله در چه وضعیتی قرار داشته است.



جنگ فقط صدای انفجار و آوارگی نیست. گاهی جنگ از جایی خطرناک‌تر آغاز می‌شود؛ از سفره مردم، از کاهش ارزش پول، از کوچک شدن قدرت خرید و از لحظه‌ای که شهروند دیگر نمی‌داند درآمد امروز او فردا چه ارزشی خواهد داشت. جنگ، اگر با تورم، فساد و ضعف نظارت همراه شود، اقتصاد را به میدان نازهای برای انتقال ثروت از جیب مردم به جیب گروه‌های برخوردار تبدیل می‌کند.

در چنین شرایطی، نخستین قربانی، شهروند عادی است. کارمندی که حقوق ثابت می‌گیرد، کارگری که دستمزدش با تأخیر افزایش می‌یابد، بازنشستهای که درآمدش کفاف هزینه‌های ضروری را نمی‌دهد و خانواده‌ای که هر ماه باید بخشی از نیازهای خود را حذف کند، در واقع هزینه بحران‌هایی را می‌پردازند که تصمیم‌گیری درباره آنها در اختیارشان نبوده است.

مسئله فقط گرانی نیست
وقتی ارزش پول ملی کاهش پیدا می‌کند و قیمت کالاها و خدمات افزایش می‌یابد، باید پرسید مسئولیت حقوقی و مدیریتی این وضعیت بر عهده چه کسانی است؟ آیا دولت می‌تواند صرفاً با اعلام آمار تورم، مسئولیت خود را پایان یافته تلقی کند؟

در شرایط بحرانی، طبیعی است که بخشی از منابع عمومی برای امنیت، دفاع، تأمین کالاهای اساسی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر اختصاص پیدا کند. اما همین ضرورت، اتفاقاً نیاز به شفافیت را بیشتر می‌کند، نه کمتر. بحران نباید بهانه‌ای برای پنهان کردن هزینه‌ها، حذف نظارت، دور زدن رقابت یا توجیه ناکارآمدی باشد. فساد در زمان بحران، فقط یک تخلف اداری نیست؛ می‌تواند مستقیماً با حقوق اقتصادی و اجتماعی مردم در تعارض قرار گیرد. تورم نیز به شکلی خاموش همین مسیر را ادامه می‌دهد. مالیاتی است که بدون تصویب مستقیم شهروندان از قدرت خرید آنها گرفته می‌شود. فردی که سال گذشته با درآمد مشخصی می‌توانست نیازهای خانواده‌اش را تأمین کند، امروز ممکن است با همان درآمد از ابتدایی‌ترین امکانات محروم شود. این کاهش قدرت خرید، صرفاً یک عدد اقتصادی نیست؛ با کرامت انسانی، حق برخورداری از زندگی شایسته و عدالت اجتماعی ارتباط مستقیم دارد. مشکل زمانی عمیق‌تر می‌شود که تورم مزمن با فساد اقتصادی ترکیب شود. در چنین شرایطی، کسانی که به اطلاعات، منابع، ارز، اعتبار بانکی، قراردادهای دولتی یا شبکه‌های قدرت دسترسی دارند، معمولاً بهتر از مردم عادی می‌توانند خود را در برابر کاهش ارزش پول محافظت کنند. دارایی آنها افزایش می‌یابد، اما دستمزد کارگر ثابت می‌ماند. قیمت دارایی‌ها بالا می‌رود، اما قدرت خرید حقوق‌بگیران سقوط می‌کند.

این یعنی بحران برای همه یکسان نیست. برای یک گروه، بحران می‌تواند فرصت اقتصادی باشد و برای گروهی دیگر، آغاز سقوط اقتصادی. اینجاست که مطالبه‌گری عمومی اهمیت پیدا می‌کند. جامعه نباید صرفاً مصرف‌کننده امر و وعده‌های اقتصادی باشد. شهروند حق دارد درباره بودجه، قراردادهای عمومی، نحوه مصرف منابع، سیاست‌های ارزی، حمایت‌های دولتی و عملکرد نهادهای مسئول سؤال کند. مطالبه شفافیت، اعتراض به فساد و درخواست پاسخگویی، بدون شک بخشی از حقوق عمومی جامعه است و همه مسئولان نیز بر ای حق اهتمام دارند. پرسش اساسی این است: چه کسی باید پاسخگو باشد؟ اگر سیاست اقتصادی اشتباه است، مسئول آن باید توضیح بدهد. اگر منابع عمومی هدر رفته، باید بررسی شود. اگر فساد اتفاق افتاده، باید عاملان آن شناسایی و محاکمه شوند. اگر تصمیمی موجب تحمیل هزینه سنگین به مردم شده، جامعه حق دارد دلیل آن را بداند. مسئولیت عمومی نباید در میان عبارت‌های مبهمی مانند «شرایط خاص»، «دشمن»، «تحریم» یا «بحران جهانی» گم شود. هیچ‌کدام از این عوامل، مجوز بی‌قانونی نیستند. حتی در سخت‌ترین شرایط نیز اصول بنیادین حکمرانی، از جمله شفافیت، پاسخگویی، رعایت قانون، صیانت از اموال عمومی و منع تعیض اقتصادی، اهمیت خود را از دست نمی‌دهند. اتفاقاً در زمان جنگ و بحران اقتصادی، اجرای این اصول باید جدی‌تر باشد؛ زیرا هر ریال منابع عمومی می‌تواند سرانش یک خانواده را تغییر دهد. مطالبه‌گری یعنی پرسیدن اینکه منابع کشور کجا خرج می‌شود. یعنی پرسیدن اینکه چرا تورم ادامه دارد. یعنی پرسیدن اینکه چه کسانی از بحران سود می‌برند. یعنی درخواست انتشار اطلاعات قراردادهای عمومی، گزارش دقیق هزینه‌کرد بودجه و برخورد واقعی با فساد. این روند حکمرانی در تمام کشورهای پیشرفته جهان صادق است. بدون شک جنگ ممکن است اجتناب‌ناپذیر باشد، اما فساد نباید اجتناب‌ناپذیر تلقی شود. تورم ممکن است تحت تأثیر عوامل متعدد باشد، اما بی‌پاسخ ماندن سیاست‌های اقتصادی قابل قبول نیست. اینکه اقتصاد سالم فقط اقتصادی نیست که رشد می‌کند؛ اقتصادی است که در آن قانون، شفافیت و عدالت اجازه نمی‌دهد بحران به ابزار ثروتمندتر شدن عده‌ای محدود تبدیل شود.

جنگ، اقتصاد را زخمی می‌کند؛ اما فساد می‌تواند زخم را عمیق‌تر کند. و در نهایت، این مردمان که صورت‌حساب هر دو را پرداخت می‌کنند.

در مسیر توسعه تولید ملی، خودکفایی و افزایش ظرفیت

صادرات غیرنفتی کشور به شمار می‌رود.

بهره‌برداری از تصفیه‌خانه واحد تولیدی

در حاشیه این مراسم، تصفیه‌خانه این واحد تولیدی با ظرفیت ۳۰ مترمکعب در ثانیه و با اعتبار ۳۵۹ میلیارد ریال نیز به بهره‌برداری رسید. این تصفیه‌خانه با هدف بازچرخانی آب و کمک به توسعه فضای سبز احداث شده و بهره‌برداری از آن زمینه توسعه فضای سبز این واحد ریسندگی را به میزان ۲۰ هزار مترمربع فراهم می‌کند.

با حضور معاون اول رئیس‌جمهور انجام شد؛

افتتاح واحد بزرگ ریسندگی در قم با سرمایه‌گذاری بانک ملی ایران

این طرح صنعتی با سرمایه‌گذاری ۴۰ هزار میلیارد ریالی (۴ همت) و ۱۲ میلیون یورویی بانک ملی ایران در بخش تأمین ماشین‌آلات و تجهیزات خطوط تولید به بهره‌برداری رسیده و ظرفیت تولید انواع نخ‌های اکرلیک تخصصی در نمرات ظریف و درشت را دارد، محصولاتی که کاربرد

محمدرضا عارف معاون اول رئیس‌جمهور در جریان سفر به استان قم و با حضور محسن سیفی مدیرعامل بانک ملی ایران و جمعی از مسئولان استانی، واحد بزرگ ریسندگی و تولید نخ‌های تخصصی در شهرک صنعتی نیراز استان قم را افتتاح کرد.

به گزارش روابط عمومی بانک ملی ایران، این واحد صنعتی در زمینی به مساحت ۹ هکتار و با زیربنای ۳۰ هزار مترمربع احداث شده و با راه‌اندازی آن، زمینه اشتغال مستقیم برای ۲۵۰ نفر فراهم شده است.

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص اکتشاف تجلی صبا به شناسه ملی ۱۴۰۱۶۵۸۷۴۸ و به شماره ثبت ۵۸۹۱۳۵۷ به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد آقای محمد موجدی به شماره ملی ۰۰۱۳۴۷۷۲۵۰ به نمایندگی از شرکت معدن کار باختر به شناسه ملی ۱۰۸۶۱۶۷۰۱۶ به سمت رئیس هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۶/۱۰/۲۱ آقای کاوه آهنگری به شماره ملی ۱۸۲۸۰۳۰۸۲۱ به نمایندگی از شرکت تجلی توسعه معدن و فلزات به شناسه ملی ۱۰۳۳۰۸۲۶۲۶۰ و به سمت مدیرعامل تا تاریخ ۱۴۰۶/۱۰/۲۱و به سمت عضو اصلی هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۶/۱۰/۲۱ آقای رضا کشاورزی به شماره ملی ۴۲۸۴۴۶۶۵۱ به نمایندگی از شرکت توسعه معدنی و صنعتی صباپور به شناسه ملی ۱۰۱۷۲۶۱۵۱ و به سمت نایب رئیس هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۶/۱۰/۲۱ انتخاب گردیدند کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهد آور شرکت از قبیل چک، سفته، پروات، قرارداد های عقود اسلامی با امضای مدیر عامل و یکی از اعضاء هیات مدیره و در غیاب مدیر عامل با امضاء دو نفر از اعضاء هیات مدیره همراه با مهر شرکت. ۲

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران

(۲۲۷۶۶۶۸)

آقای علی محمد رحمانی به موجب تفویض وکالت شماره ۲۲۳۷۲- ۱۴۰۵/۰۵/۲۴ دفتر اسناد رسمی ۱۲۶ یزد و انحصار وراثت ۷۸/۶۷۶ شعبه اول دادگاه عمومی خاش و بااستناد یک برگ استنباطیه‌ای حداثگی محلی که به امضاء شهرد و به گواهی دفتر اسناد رسمی شماره ۱۰۱ خاش رسیده مدعی است که سند مالکیت به شماره چاپی ۲۹۵۶۷۷ مربوط به شهرداری یکپاک منزل پلاک باقیمانده ۲۸۴ - اصلی واقع در قطعه یک از بخش چهار بلوچستان شهر خاش خیابان شهید بهشتی مورد ثبت ۱۷۷۴ صفحه ۲۲۰ دفتر ۱۲ - املاک به نام علی رحمانی ثبت گردیده است. تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۲۱

شماره ۲۲۳۷۲۰۰

آگهی فقدان سند مالکیت

بمقت حاجبایی مفقود و درخواست صدور سند مالکیت المثنی نموده لذا مراتب بااستناد نهمه یک سنده ۱۲۰ این‌نامه ثبت در یک نوبت آگهی می‌شود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود یا انجام معامله نسبت به ملک مرقوم می‌باشد از تاریخ نشر این آگهی طرف ۱۰ روز اعتراض خود را به خیمه اصل سند مالکیت یا سند معامله باین اداره اعلام و رسید دریافت نمایند تا مورد رسیدگی قرار گیرد والا پس از انقضای مدت مذکور و نرسیدن واخواهی و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نشود نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد. (م الف ۴۴۴)

سیدهاشم موسوی، سرپرست ثبت اسناد و املاک شهرستان خاش